بسم

الرحمن
الرحیم

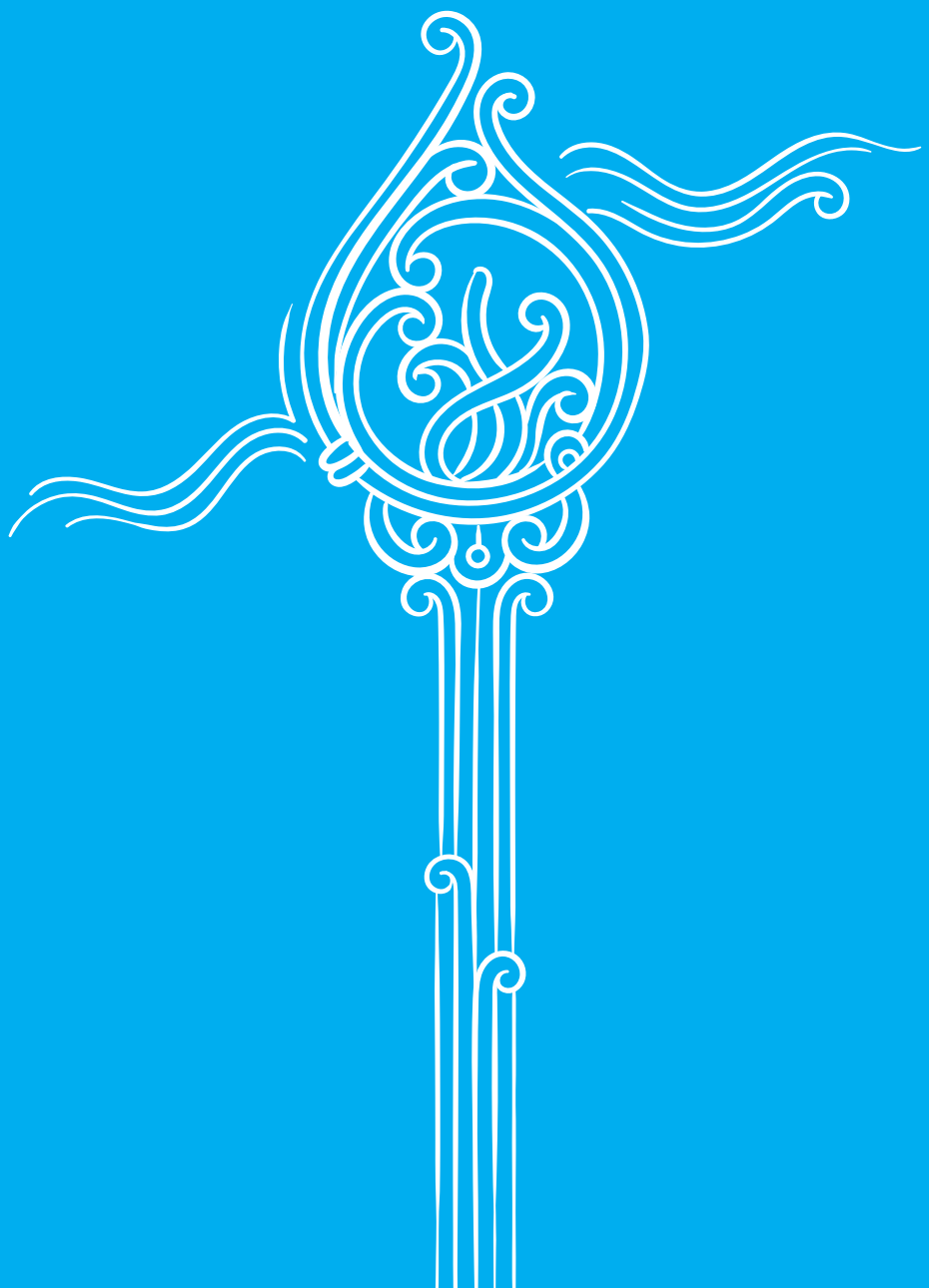

زندگی با آیه‌ها

حالتِ پرواز «۲»

۳ روز اتصالِ پرسرعت به آسمان، با رمز قرآن



زندگی با آیه‌ها

حالِ پرواز «۲»

نویسنده: سیدمهدی تقوی

گرافیک و تایپوگرافی: سیدمحمد موسوی

صفحه‌آرا: علی عبادی‌فرد

ناشر: انتشارات تلاوت

چاپ و صحافی: واژه‌پرداز اندیشه

سال چاپ: ۱۴۰۵

تیراژ: ۲۵۰۰ جلد | **قیمت:** ۱۲۰٫۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۱۰۱-۹۸-۲

شماره مرکز پخش (فروشگاه بصائر)

۰۹۱۲۸۰۸۸۱۲۴ _ ۰۲۱۶۶۹۵۶۰۹۵

قرآن علاوه بر جنبهٔ معرفتی و معرفت‌آموزی، **دستورات کاربردی دارد برای زندگی**؛ یعنی محیط زندگی را آباد می‌کند، زندگی را از امنیت و سلامت و آسایش برخوردار می‌کند... انسان‌ها در طول تاریخ دست‌به‌گریبانِ **ظلم و تبعیض و جنگ و ناامنی و لگدمال‌شدن ارزش‌ها** بوده‌اند، امروز هم هستند؛ **راه علاج این‌ها قرآن است**... جوامع بشری اگر به دستوراتِ کاربردی قرآن عمل بکنند، بدون تردید از همهٔ این مشکلات نجات پیدا خواهند کرد. **در همین ظاهرِ قرآن هزاران دستور زندگی وجود دارد.**

محفل انس با قرآن کریم | ۶ اردیبهشت ۱۳۹۹



تقدیم به روح
مطهر و مبارک
رهبر شهید انقلاب ...

فهرست

مقدمه ۹

نامه من به تویی که مهمان خانه‌ام شدی ۱۳

خوش آمدی عزیزم! ۱۳

سفیر من باش ۱۴

دست بقیه را هم بگیر! ۱۵

دست برتر با شماست ۱۵

ما از خون شهیدانمان نمی‌گذریم! ۱۶

۱. آغوشی به بزرگی آسمان ۱۹

﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللهِ إِنَّ اللهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا﴾ ۱۹

۲. نامه‌ای از طرف بهترین دوست ۲۷
﴿وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا﴾ ۲۷
۳. سر وقت، باهم، سرقرار..... ۳۵
﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾.....۳۵
۴. اگر ایمان داشته باشیم!..... ۴۳
﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ ۴۳
۵. به وقت میدان.....۵۱
﴿إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنْتَقِمُونَ﴾ ۵۱
۶. فرصت طلایی اعتکاف ۵۹
کتاب «شهادت آیه‌ها» ۶۱
بازی رومیزی «زندگی با آیه‌ها»..... ۶۳
۷. مسیرهای پرواز ۶۵
۸. همسفر قرآنی ۶۹

مقدمه

اعتکاف یعنی بریدن از شلوغی‌های روزمره و رسیدن به آرامش... همان‌طور که در کلام روشن رهبر شهید آمده است؛ «اعتکاف برای نزدیک شدن به خدا است.»[1] و مسجد، بستر این پرواز است؛ «مسجد جایی است که انسان خود را به منبع لایزال فیض الهی متصل میکند. مسجد مدرسه و دانشگاهی برای تفکر و تأمل و مرکزی برای تصفیه روح و خلوص و اتصال به خداست.»[2]

---

۱. بیانات رهبر شهید در دیدار اعضای ستاد مرکزی اعتکاف و اعضای سوّمین جشنواره‌ی سراسری علمی فرهنگی اعتکاف ـ ۱۳۹۳/۰۲/۱۵

۲. بیانات رهبر شهید در دیدار مردم قم ـ ۱۳۷۵/۱۰/۱۹

و چه راهی برای پرواز به سوی آسمان و اتصال به خدا، بهتر از نشستن پای کلام شیرین خود خدا؟!

اما داستان اینجا تمام نمی‌شود! خیلی‌ها اعتکاف که تمام شد، همه چیز را گوشه‌ی مسجد جا می‌گذارند و برمی‌گردند سر خانه‌ی اول! اما قرار ما این نیست، این نقطه‌ی شروع است؛ یک خلوت عارفانه که دستت را می‌گذارد توی دست قرآن تا توشه‌ی ماه‌های رجب و شعبان و مهمانی بزرگ خدا در رمضان را با هم جمع کنیم. و کم کم اینگونه باشد که در تمام روزها و لحظات زندگی‌مان با آیه‌های قرآن زندگی کنیم... در پویش بزرگ «زندگی با آیه‌ها» قرار است ۳۰ آیه کلیدی را بخوانیم و یاد بگیریم و به آن‌ها عمل کنیم؛ اما در این ایّام اعتکاف، ما فعلاً روی ۵ آیه تمرکز می‌کنیم تا طعم این همراهی را بچشیم و قدم‌های اول را محکم‌تر برداریم.

نوجوان امروز دیگر نمی‌خواهد فقط تماشاگر باشد و نوجوانی شروع کنشگری است. این آیات هم قرار

نیست فقط راه تو را روشن کنند، بلکه قرار است از تو یک سفیر بسازند! فرقی نمی‌کند وسط حیاط مدرسه باشی، توی گروه‌های مجازی یا دورهمی دوستانه و جمع خانوادگی؛ وقتی کلام خدا را فهمیدی و با دل و جان زندگی‌اش کردی، رسالتت شروع می‌شود. باید این نور را دست به‌دست بچرخانی و به دیگران هم برسانی.

پس این کتاب را ورق بزن، نقشه‌ی پروازت را پیدا کن و آماده باش برای یک شروع واقعی وسط میدان زندگی...



نامه من به تویی که مهمان خانه‌ام شدی...

به خانه‌ام آمدی که سه‌روز، دنیا را در حالت پرواز بگذاری، آمدی تا با من کمی خلوت کنی، حرف بزنی، جان بگیری و قوی‌تر برگردی؟

خوش آمدی عزیزم!

مهم نیست قبل از اینکه پایت را در این مسجد بگذاری، کجا بودی! شاید خیلی وقت‌ها اشتباه رفتی و خطا کردی، شاید خیلی از من دور شدی... امّا من دوستت دارم، بیشتر از هر کسی... و همیشه آغوشم برایت بازِ باز است. بیا خستگی‌هایت را زمین بگذار

و دوباره شروع کن. غصه گذشته را نخور؛ من همه را می‌بخشم، فقط ناامید نشو؛

﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللهِ إِنَّ اللهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا﴾ (زمر، ۵۳)

بگو: ای بندگان من که [با ارتکاب گناه] بر خود تجاوز کار بوده‌اید! از رحمت خدا نومید نشوید، یقیناً خدا همهٔ گناهان را می‌آمرزد.

سفیر من باش؛ حرف‌هایم را برای دیگران هم بگو...

حالا که آمدی و رفیق شدیم، نگذار نامه‌هایم گوشه طاقچه خاک بخورد. نامه‌هایی که برایت فرستادم را خوب بخوان، یاد بگیر و به دیگران یاد بده. نامه‌هایم را ببر توی دل مدرسه و خانواده و جامعه... حرف‌هایم را به گوش بقیه هم برسان تا دیگر آخرین پیامبرم از غریبی قرآن گله مند نباشد. این قرآن راه‌نمای زندگی است. راه را از روی همین نقشه پیدا کن؛

﴿وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا﴾

و پیامبر [در قیامت] می‌گوید: پروردگارا! همانا قوم من این قرآن را متروک گذاشتند! (فرقان، ۳۰)

دست بقیه را هم بگیر!

دلت که گرفت، خسته و سردرگم که شدی، بیا سراغ خودم، سرِ نماز می‌بینمت! نماز همان وقت قرار ماست. صدای اذان که آمد بدان من صدایت میکنم... امّا اهل تک‌خوری نباش! وقتی طعم این آرامش را چشیدی، مأموریت داری دست رفقا و خانواده‌ات را هم بگیری و با مهربانی بیاوری توی این مسیر. محکم پای قرارمان بایست و بقیه را هم با خودت همراه کن؛

﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾

و خانواده‌ات را به نماز فرمان بده و خود نیز بر آن شکیبایی ورز. (طه، ۱۳۲)

دست برتر با شماست...

برای اینکه بتوانی دنیا را جای بهتری کنی، باید قوی

باشی. خوب درس بخوان، تا می‌توانی مهارت یاد بگیر و رشد کن. مبادا در مسیر تلاش برای آینده کم بیاوری. اگر با ایمان به خدا، با ایمان به وعده‌ها و کمک‌های خدا، تلاش کنید و وظیفه‌تان را خوب انجام دهید، مطمئن باش دستِ برتر با شماست و پیروزید، چون خدا با شماست؛

﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾

و [در انجام فرمان‌های الهی و در جهاد با دشمن] سستی نکنید و [از پیش آمدها و حوادث و سختی‌هایی که به شما می‌رسد] اندوهگین نشوید که شما اگر مؤمن باشید، برترید. (آل‌عمران، ۱۳۹)

ما از خون شهیدانمان نمی‌گذریم!

حالا که جان دوباره گرفتی، حالا که ایمان بیشتری داری و در راه درست ایستادی، وقت رفتن به میدان نبرد است. تو با علم و درس و توانایی و ایمانت در جبهه حق

بایست، و نگران قلدرها و ظالمانی که خاک و خون به پا می‌کنند و پاکترین بنده‌هایم را به شهادت می‌رسانند نباش. تو راه آن شهدا را ادامه بده، و بدان انتقامشان قطعی است. ما حتماً تقاص این خون‌ها و جنایت‌ها را خواهیم گرفت؛

﴿إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنْتَقِمُونَ﴾

بی‌تردید ما از مجرمان انتقام می‌گیریم. (سجده، ۲۲)



۱

آغوشی به بزرگی آسمان

﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللهِ إِنَّ اللهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا﴾

بگو: ای بندگان من که [با ارتکاب گناه] بر خود تجاوز کار بوده‌اید! از رحمت خدا نومید نشوید، یقیناً خدا همهٔ گناهان را می‌آمرزد. (زمر، ۵۳)



شاید تا همین دیروز عصر، دنیا داشت با دور تند جلوی چشمت رد می‌شد؛ روزهای تکراری، بیدار شدن صبح و رفتن به مدرسه، زنگ‌های پشت سرهم، تکالیف نیمه‌کاره، سوال های معلم و امتحان‌های استرس‌آور، غرولندهای توی خانه، جر و بحث با رفقا و همه‌ی چیزهایی که لحظه‌ای آرامت نمی‌گذاشتند... غرق در فضای مجازی و موبایل، از این صفحه به آن صفحه. هر صفحه را که بالا می‌زدی، یک خبر تازه، یک ترند جدید، یک تصویر فیلترشده و غیرواقعی از زندگی و خوشبختی آدم‌هایی که انگار از تو خیلی خوشحال‌ترند!

اینطوری حس تنهایی و سردرگمی روی سر آدم آوار می‌شود و نمی‌داند چه‌کار کند؟!

گاهی آدم دلش می‌خواهد همه‌چیز را متوقف کند. به همه چیز و همه کس بگوید، خسته شدم، حداقل چند دقیقه بایستید!

حالا اینجا روی فرش مسجد نشسته‌ای، کفش‌هایت را بیرون در گذاشته‌ای و همراه کفش‌ها، انگار شلوغی‌ها و سردرگمی‌ها و خستگی‌های چندماهه را هم پشت در مسجد قال گذاشته‌ای. گوشی‌ات را بگذار روی حالت پرواز! این سه روز، قرار نیست برای لایک کسی ژست بگیری، قرار نیست جلوی معلم یا هم‌کلاسی‌ها نقش آدم‌های همه‌چیزتمام را بازی کنی، قرار نیست تلاش کنی کسی را راضی کنی، اینجا هیچ‌کس از تو کارنامه یا تراز آزمون نمی‌خواهد... اینجا تویی و خودت، تویی و او...

اما انگار یک چیزی ته دلت سنگینی می‌کند، نه؟ شاید همان دلیلی است که اولش باعث می‌شد برای آمدن دودل باشی، شاید یک صدایی توی گوشت

می‌گوید: اصلاً تو برای چی اومدی اینجا؟ مگه یادت رفته چیکار کردی؟ چی گفتی؟ چی دیدی؟ یادت رفته چطور دل مادرت رو شکستی؟ یادت رفته فلان دروغی رو که گفتی؟ یادت رفته فلان اشتباهی که هنوز حتی فکر کردن بهش خجالت‌زده‌ات می‌کنه؟ مگه جا قحط بود؟ اینجا جای آدم‌های حسابی و پاکه، نه تو!

این صدا را خیلی خوب می‌شناسی! صدایی است که وقتی خطایی می‌کنی، بعد از پشیمانی سر می‌رسد و تنها هدفش له کردن توست! می‌خواهد مطمئنت کند که دیگر به درد نمی‌خوری، که فاصله تو با خوب بودن، با خدا و خدایی بودن آن‌قدر زیاد شده که همه پل‌های پشت سرت خراب شده‌اند. این همان حس ناامیدی است؛ سنگین‌ترین دام و تاریک‌ترین چاهی که ممکن است یک آدم در آن بیفتد.

حالا گوش‌هایت را تیز کن و کلمات خدا را بشنو؛ صدای آن کسی که مهربان‌تر از هر کسی به توست؛

﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللهِ إِنَّ اللهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا﴾

(بگو: ای بندگان من که [با ارتکاب گناه] بر خود تجاوز کار بوده‌اید! از رحمت خدا نومید نشوید، یقیناً خدا همهٔ گناهان را می‌آمرزد.) (زمر، ۵۳)

به کلمات اولش دقت کردی؟ نمی‌گوید «ای آدم‌های بی‌عیب‌ونقص»، نمی‌گوید «ای کسانی که هیچ خطایی از شما سر نزده». خوب‌ها را صدا نمی‌زند! دقیقاً سراغ ما را می‌گیرد؛ سراغ کسانی را می‌گیرد که خرابکاری کرده‌اند، کسانی که به قول قرآن در حق خودشان اسراف کرده‌اند؛ یعنی حد و اندازه نگه نداشته‌اند و با گناه به روح و جان خودشان صدمه زده‌اند. با همین بنده‌ها چطور حرف می‌زند؟ با خشونت؟ با تحقیر؟ نه! با صمیمیت، با آغوش باز و با صدایی پر از مهر می‌گوید: ﴿يَا عِبَادِيَ﴾؛ یعنی ای بنده‌های خودم!

تصور کن پدری بعد از مدت‌ها بچه‌ی خطاکارش

را ببینند که گوشه‌ای کز کرده و از شرمندگی سرش را بالا نمی‌آورد. پدر جلو می‌آید، شانه فرزندش را می‌گیرد و می‌گوید: «سرت رو بیار بالا، تو بچه‌ی منی... باهم درستش می‌کنیم، من همیشه کنارتم...»

این ﴿يَا عِبَادِيَ﴾ خدا از این هم لطیف‌تر و مهربانانه‌تر و شیرین‌تر است... خیلی خیلی شیرین‌تر...

باید بدانی ناامیدی، بزرگ‌ترین دروغی است که ممکن است باورش کنی. خطاکردن تلخ است، اما ایستادن توی باتلاق خطا و گفتن اینکه «من دیگه درست‌بشو نیستم» فاجعه است. خدا در همین آیه، روی این ناامیدی یک خط قرمز می‌کشد: ﴿لَا تَقْنَطُوا﴾؛ ناامید نشوید. بعدش برای اینکه هیچ جای شکی در دلت باقی نماند، یک کلمه دیگر اضافه می‌کند: ﴿جَمِيعاً﴾؛ یعنی همه‌اش را می‌بخشد! همه آن حس‌های گناه، همه اشتباهاتی که فکر می‌کردی هیچ‌وقت پاک نمی‌شوند، همه را می‌بخشد، تو فقط ناامید نباشد و به راه درست بیا...

خدا حساب‌وکتابش شبیه آدم‌ها نیست! آدم‌ها وقتی از دست کسی دلخور می‌شوند، قهر می‌کنند، منّت می‌گذارند، خطای طرف را توی سرش می‌کوبند و شاید تا آخر عمر چشم دیدنش را نداشته باشند. اما خدا خیلی مهربان است، مهربان‌تر از پدر و مادر، مهربان‌تر از هر کسی که فکرش را کنی... او خیلی منتظر برگشت تو بود، منتظر این بود که یک قدم به سوی او برداری تا همه پرونده‌های کهنه و سیاه را ببندد و پاک کند. و حالا با آمدنت به اینجا، قدم برداشتی به سوی او، به سوی خوبی‌ها...

گذشته هرچه بوده، تا پشت در مسجد بوده... حالا آغوش خدا برایت باز است، آغوشی به بزرگی آسمان...

امّا باید واقعاً برگردی، باید توبه کنی؛ یعنی از ته دل پشیمان باشی و تلاش کنی جبران کنی، تلاش کنی دیگر هیچوقت گناه نکنی... معلوم است سخت است! امّا می‌شود... از خود خدا کمک بخواه، هرچقدر می‌خواهی با او صحبت کن و هر چه دوست داری بگو... بخواه که

لذّت گناه را از دلت بیرون کند. بخواه که دستت را بگیرد و از گناه و بدی دورت کند.

می‌توانی برای اولین قدم با خدا عهد ببندی؛ مثلاً عهد ببندی که اگر زبانم لال، دوباره گناهی کردی زود کار خوبی انجام بدهی؛ مثلاً عهد ببندی اگر دروغ گفتی یا نمازت قضا شد، علاوه بر جبران و خواندن قضای نماز، ۱۰۰ هزارتومن صدقه بدهی، یا ۱۰ رکعت نماز مستحبی بخوانی، یا ۱۰ صفحه قرآن بخوانی. بله می‌دانم کمی سخت است، امّا باید سخت باشد تا اثرگذار باشد!

علاوه بر این جریمه‌ها، باید با قرآن و نماز بیشتر دوست شوی چون این دو تو را از گناه دور می‌کنند؛ ﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ (العنکبوت: ۴۵) عهد ببند حتماً حداقل روزی یک صفحه قرآن بخوانی، عهد ببند نمازت را اول وقت بخوانی. و با همین کارها می‌بینی که کم کم دوری از گناه، آسان و آسان‌تر می‌شود.

از همین حالا شروع کن!

۲

نامه‌ای از طرف بهترین دوست

﴿وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا﴾

و پیامبر [در قیامت] می‌گوید: پروردگارا! همانا قوم من این قرآن را متروک گذاشتند! (فرقان، ۳۰)



تصور کن می‌خواهی به سفری در دل کوه و جنگل بروی، جایی که بهترین دوستت منتظر توست، کسی که بیشتر از هرکسی توی دنیا به تو اهمیت می‌دهد و تک‌تک رازها و ضعف و قوت‌هایت را می‌شناسد. او برایت یک بسته ویژه می‌فرستد؛ یک نامه، یک نقشه کامل، یک راهنمای قدم‌به‌قدم برای اینکه توی مسیر پیچیده کوه و جنگل گم نشوی و سالم و به موقع به مقصد برسی.

حالا فکرش را بکن تو آن نامه را تحویل بگیری، بدون خواندن و عمل کردن، بگذاری توی یک جعبه شیک و مخملی، دورش روبان بپیچی، بگذاری‌اش گوشه بالاترین طبقه کمد و به راه بیفتی! اگر توی مسیر وسط

چاه بیفتی یا راه را گم کنی، چه کسی مقصر است؟! دوستت حق ندارد تو را سرزنش کند و بگوید: من که همه چیز را برایت نوشته بودم، چرا نامه را نخواندی؟!

ماجرای ما و قرآن دقیقاً همین است! قرآن توی خیلی از خانه‌های ما دقیقاً همان نامه است که در یک جایی از خانه دارد خاک میخورد! نامه‌ای از طرف خدا در قاب‌های خاتم‌کاری زیبا روی دیوار اتاق! یا شاید حتی قبل از سفر از زیر قرآن رد شویم یا ماه رمضان‌ها تند تند بدون توجه و فهمیدن آن را بخوانیم، امّا... واقعاً نمی‌خوانیمش؛ یا اگر بخوانیم، فقط با چشم دنبال کلمات عربی می‌دویم تا صفحه یا سوره تمام شود، بدون اینکه حتی یک لحظه فکر کنیم که این جملات چه ربطی به زندگی من دارد؟ خدا دارد در این نامه به من چه می‌گوید؟ من باید چه‌کار کنم؟

اگر یک دانشمند بزرگ مثل انیشتین یا ابوعلی سینا میگفت من کل عمرم را گذاشتم و کتابی نوشتم

که عمل کردن به آن باعث خوشبختی شما می‌شود، انسان‌ها حاضر بودند برای به دست آوردن این کتاب گران قیمت چه کارها که نکنند!

حالا خدایی که علم و قدرتش، مهربانی و بزرگیش از همه عالم هزاران هزار برابر بیشتر است و چون خودش دنیا و ما انسان‌ها را آفریده، راه و چاه دنیا و مسیر خوشبختی ما را بهتر از هر کسی می‌داند، برایمان نامه نوشته و ما آن را گذاشته‌ایم روی طاقچه و داریم زندگیمان را می‌کنیم!

پیامبر حق دارد که از دست ما به خدا شکایت کند؛

﴿وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا﴾

(و پیامبر [در قیامت] می‌گوید: پروردگارا! همانا قوم من این قرآن را متروک گذاشتند!) (فرقان، ۳۰)

کلمه «مهجور» یعنی چیزی را گوشه‌ای رها کنی و سراغش نروی. مهجور بودن فقط این نیست که قرآن توی کتابخانه نباشد؛ مهجور بودن یعنی حرف‌های قرآن

در تصمیم‌های روزمره تو جایی نداشته باشد. یعنی صبح تا شب درگیر همه‌چیز باشی، حالت بد باشد، استرس آینده را داشته باشی، ندانی با رفیق حسودت چطور تا کنی، چطور عصبانیتت را کنترل کنی، چطور در اوج تنهایی قوی بمانی، چطور امیدوار و خوشحال باشی و مشکلاتت را حل کنی، اینکه ندانی چطور زندگی کنی و بعد فراموش کنی راه‌حل همه این‌ها توی همین کتاب است!

تو نوجوانی؛ دوره‌ای که پر از دوراهی است. دقیقاً توی سنی هستی که دنیایی از محتواها، بلاگرها، ویدیوهای انگیزشی پوچ، و نظریه‌های عجیب و غریب دارند به تو دیکته می‌کنند چطور فکر کنی، چه بپوشی، چطور خوشحال باشی و چه هدفی داشته باشی. هر کسی یک سازی می‌زند؛ یکی می‌گوید: زندگی فقط لذت بردن از لحظه است، فردا رو رها کن! دیگری می‌گوید: تا زرنگ و خودخواه نباشی به جایی نمیرسی!

یکی دیگر می‌گوید: زیبایی و قیافه یعنی همه‌چیز! در مورد درس و کار و مهاجرت و دوست و دشمن و غریبه و آشنا نسخه می‌پیچند و تو می‌مانی و سردرگمی...

توی این دریای موّاج و گرداب عمیق، اگر یک قطب‌نمای واقعی نداشته باشی که راه را پیدا کنی، خیلی زود کم می‌آوری و غرق می‌شوی. قرآن همان قطب‌نماست؛ همان نقشه راه و کتاب زندگی است.

حالا که آمدی اینجا، قرار نیست یک‌شبه حافظ قرآن شوی یا روزی سه جز قرآن بخوانی؛ قرار است نگاهت به این کتاب عوض شود؛ کافی است هر روز چند آیه را با دقت بخوانی، ترجمه‌اش را بفهمی و بعد فکر کنی و از خودت بپرسی: این آیه توی مدرسه، توی خانواده، توی رابطه با رفقا، توی خلوت خودم با گوشی، کجای زندگی من پیاده میشه؟ این آیه چی به من یاد میده؟ از خودت بپرسی خدا با فرستادن این آیه از من میخواد چیکار کنم؟

حالا که با خدا رفیق شدی، بگذار بقیه هم طعم این رفاقت را بچشند. بگذار صدای خدا در همه جا بپیچد...

این نامه را به دست بقیه برسان، برایشان از قرآن بگو، از قرآن بخوان. در حد خودت کاری کن که دیگر قرآن مهجور نباشد. هم خودت روزانه قرآن بخوان و فکر کن و به آن عمل کن، هم خانواده و رفقایت را با قرآن رفیق کن.

وقتی تلاش میکنی در شادی و ناراحتی، در آرامش و عصبانیت، در تنهایی و شلوغی به قرآن عمل کنی، آن‌وقت می‌بینی نه تنها خودت راه را پیدا می‌کنی، رفتارت نوری می‌شود که مسیر قرآن را به دوستانت هم نشان می‌دهد.

یک قرآن جیبی بخر و همیشه همراهت باشد. در تاکسی و اتوبوس و هر جایی که وقت کردی نامه خدا را بخوان. حواست باشد دیگر هیچوقت از این رفیق مهربان و دلسوز جدا نشوی...



۳

سر وقت، باهم، سرقرار

﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾

و خانواده‌ات را به نماز فرمان بده و خود نیز بر آن شکیبایی ورز. (طه، ۱۳۲)



تابه‌حال برایت پیش آمده که یک بازی ویدیویی فوق‌العاده جذاب پیدا کنی یا یک فیلم معرکه ببینی و اولین کاری که بعد از تماشایش می‌کنی این باشد که گوشی را برداری، به رفیق صمیمیت زنگ بزنی و بگی: اصلاً باورت نمیشه چی پیدا کردم! یه بازی با گرافیک عالی و ماجرای جذاب، باید خودت نصبش کنی و بازی کنی، نبینی نصف عمرت بر فناست! یا بگی فیلم معرکه‌ای پیدا کردم، پاش میخکوب میشی، از فلان سایت دانلود کن و ببین!؟

آدم وقتی به یک چیز ناب و حال خوب‌کن می‌رسد، ذاتاً دلش نمی‌آید تنهایی از آن لذت ببرد. تک‌خوری

توی مرام هیچ رفیق باحالی نیست. آدم وقتی به یک جای زیبا و دوس داشتنی می‌رود، مثلاً یک رستوران توی کلبه‌های چوبی، با غذاهای خوشمزه توی جنگل‌های شمال، اولین چیزی که از ذهنش می‌گذرد این است که؛ ای کاش رفیقم، خواهرم یا برادرم هم اینجا بود، چقدر بهمون خوش میگذشت...

داستان اعتکاف و خلوت با خدا هم همینطوری است. این سه روز نشسته‌ای توی خانه خدا، روی سجاده، سرت را گذاشته‌ای روی مهر، حرف‌هایت را با خدا زده‌ای و یک آرامش زلال و حال خوب نشسته ته دلت... حس می‌کنی باتری روحت که تا چند روز پیش روی یک درصد، قرمز چشمک می‌زد، حالا پر شده، سرحال و آماده‌ای برای زندگی بهتر. این حس خوب است، خیلی هم خوب و شیرین است؛ اما یک سوال مهم وجود دارد؛ بعد از اعتکاف قرار است چه اتفاقی بیفتد؟! وقتی برگشتی خانه، وقتی رفتی مدرسه، این

آرامش و نیرو و حال خوب را چطور نگه می‌داری؟ و مهم‌تر از آن، دوروبری‌هایت چه می‌شوند؟

خدا توی شلوغی‌های دنیا یک ایستگاه شارژ دائمی برای ما طراحی کرده است؛ ایستگاهی به اسم نماز. نه یک بار، بلکه سه بار در روز؛ صبح و ظهر و شب. خدا نمی‌خواهد حتی چند ساعت از او دور شویم و نماز دقیقاً ساعت قرار ما با خداست. وقتی صدای اذان بلند می‌شود، انگار گوشی‌ات زنگ خورده و روی صفحه‌اش اسم همان رفیق شفیق افتاده است؛ کسی که در اوج خستگی، سردرگمی، درس و شلوغی و کارهای مختلف به تو می‌گوید: چند دقیقه همه‌چیز را متوقف کن، بیا پیش خودم تا باهم حرف بزنیم و بهت آرامش بدم، تا تکیه‌گاهت باشم، تا قوت و نیرو بگیری...

اما فقط خودت؟! همین؟! زندگی اینقدر تنهایی و تکی است؟! نه، حتی نماز هم به جماعت و با تعداد بالا بهتر است. خدا برای ما نسخه‌ها و راه‌حل‌های

جمعی دارد. او از ما می‌خواهد دست بقیه را هم بگیریم و ببریم سر قرار. خدا در سوره طه به پیامبرش دستوری می‌دهد که امروز روی صحبتش دقیقاً با خود ماست؛

﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾

(و خانواده‌ات را به نماز فرمان بده و خود نیز بر آن شکیبایی ورز.) (طه، ۱۳۲)

خدا خیلی صریح می‌گوید: اهل تک‌خوری نباش! این قرار فقط برای خودت نیست؛ دست خانواده‌ات را هم بگیر، دست رفقایت را هم بگیر و با خودت همراه کن، با صبوری! این نماز خواندن و همراه کردن بقیه یک صبوری و تحملی میخواهد. باید حواست باشد این دست گرفتن چه شکلی است؛ خیلی وقت‌ها تا حرف از نصیحت و دعوت به نماز می‌شود، یاد غر زدن، گیر دادن، یا رفتار آدم‌هایی می‌افتیم که فکر می‌کنند چون خودشان جانماز آب می‌کشند، از بقیه برترند و حق دارند با نگاه بالا به پایین با دیگران حرف بزنند! نه، این

شیوه نه‌تنها کسی را سر قرار نمی‌آورد، بلکه فراری‌شان هم می‌دهد.

دست دیگران را گرفتن، قبل از اینکه از گفتن شروع شود، از رفتار تو شروع می‌شود. اگر بعد از این سه روز اعتکاف برگشتی خانه، ولی اخلاقت توی خانه تندتر شد یا مثل قبل بود، سر یک بشقاب غذا یا هر چیزی سر مادرت داد زدی، زود عصبانی شدی، تکالیفت را نصفه‌نیمه رها کردی و اتاقت همیشه به هم ریخته بود، هیچ‌کس با دیدن نماز خواندن تو جذب خدا و نماز نمی‌شود! اما اگر دیدند آن نوجوانی که تا دیروز غرغر می‌کرد، حالا لبخند می‌زند، کمک‌دست مادر شده، حرف پدرش را زمین نمی‌اندازد، دروغ نمی‌گوید و با رفقایش خوش‌اخلاق‌تر شده و به دیگران کمک می‌کند و دلسوزتر و مهربان‌تر و خدایی‌تر شده، ناخودآگاه با خودشان می‌گویند: چقدر عوض شده! این آرامش و حال خوب را از کجا آورده؟!

جمله دوم آیه را دیدی؟ ﴿وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾؛ یعنی بر آن صبور و استوار باش! نمی‌گوید فقط صبر کن، می‌گوید با تمام وجود مقاومت به خرج بده و پایش بایست. هم برای اینکه خودت پای این قرار بمانی اراده و صبر لازم است، و هم برای اینکه دیگران را همراه کنی.

بیایید با خدا قرار بگذاریم که سر وقت بیاییم سر قرار، قول بدهیم که نماز را سرسری نگیریم. توی این راه هم اگر کمک خواستیم، از خود نماز کمک بگیریم؛

﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ﴾

(از صبر و نماز کمک بخواهید.) (بقره، ۴۶)

شاید روز اولی که توی مدرسه اذان گفتند و تو بلند شدی وضو بگیری، دو تا از رفقایت متلک بیندازند که؛ به‌به، حاج‌آقا! چه وضویی میگیری، چه نمازی میخونی، تازگیا مؤمن شدی و از این حرف‌ها... ولی هیچ عیبی ندارد! تو که شیرینی نماز را چشیدی باید دلت بسوزد برایشان و به فکر این باشی که چطور آنها را هم با خدا رفیق کنی.

گاهی یک دعوت مهربانانه، یک لبخند صمیمی، یا فقط آماده کردن یک سجاده زیبا کنار سجاده خودت توی خانه برای خواهر یا برادر کوچکت، معجزه می‌کند. تو قرار است سفیر این آرامش باشی. حالا که طعم شیرین وصل شدن به خدا را چشیده‌ای، مثل یک رفیق بامعرفت، دست بقیه را هم بگیر و با خودت بیاور سر قرار.

۴

اگر ایمان داشته باشیم!

﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾

و [در انجام فرمان‌های الهی و در جهاد با دشمن] سستی نکنید و [از پیش‌آمدها و حوادث و سختی‌هایی که به شما می‌رسد] اندوهگین نشوید که شما اگر مؤمن باشید، برترید. (آل‌عمران، ۱۳۹)



خیلی وقت‌ها وسط زندگی یک اتفاق‌هایی می‌افتد که مثل یک سطل آب یخ است روی تمام امیدها و انگیزه‌هایت. ماه‌ها برای یک امتحان یا آزمون سختی می‌کشی و جان می‌کنی، تفریح و خوابت را کم می‌کنی، اما روز نتیجه کارنامه را که می‌بینی، نمره‌ات با آن چیزی که فکر می‌کردی فرسنگ‌ها فاصله دارد! یا مثلاً برای ورود به یک تیم ورزشی، المپیاد، یا یک کار گروهی توی مدرسه کلی تلاش می‌کنی، اما یک نفر دیگر که شاید حتی نصف تو هم زحمت نکشیده جایت را می‌گیرد!

همین جور وقت‌هاست که یک حس سمی و کشنده می‌خزد زیر پوستت؛ حس می‌کنی امیدهایت بر باد رفته

و هیچ جوره موفق نمی‌شوی. به اطرافت نگاه می‌کنی؛ آدم‌هایی را می‌بینی که با قلدری، تقلب، بی‌انصافی یا پول و امکانات و... به خیلی جاها رسیده‌اند، و بعد از خودت می‌پرسی: اصلاً که چی؟ چرا من باید این‌قدر سختی بکشم؟ پایبند بودن به درستی و اخلاق و خدا چه فایده‌ای دارد وقتی آخرش اینطور می‌شود؟ وقتی آخرش من بازنده‌ام؟!

این همان نقطه‌ای است که آدم کم می‌آورد؛ دو حس ویرانگر به سراغش می‌آید: سستی و اندوه؛ سستی یعنی انگیزه‌ات برای ادامه دادن دود می‌شود می‌رود هوا و روحیه‌ات را از دست می‌دهی و دست از تلاش می‌کشی. اندوه هم یعنی مدام غم و غصه گذشته و آینده را می‌خوری و ناراحتی سرتاپای وجودت را می‌گیرد.

حالا بیا با هم برویم به حدود ۱۴۰۰ سال پیش؛ وسط یک بیابان داغ و پر از گرد و خاک در کنار کوهی به اسم احد؛ مسلمان‌ها در انتهای یک جنگ تقریباً پیروز

شده، به خاطر اشتباه و طمع تعدادی از سپاهیان برای به دست آوردن غنیمت، تنگه‌ی احد را از دست دادند و پیروزی قطعی‌شان تبدیل به شکستی تلخ شده بود. خیلی از بهترین یاران پیامبر غرق در خون به شهادت رسیدند و روحیه‌ی بقیه هم از دست رفته بود. دشمن با غرور شمشیر می‌چرخاند و رجز می‌خواند. سپاه پیامبر، شکست خورده و با تن‌های زخمی و دلهای پر از غم و اندوه برگشته بودند مدینه؛ ناامید، خسته، شکسته. شکست مسلمانان سستی و اندوهی در میانشان ایجاد کرده بود و آن‌ها را در معرض بی‌اعتمادی به وعده‌های الهی قرار داده بود؛ بی اعتمادی به وعده های کمک و یاری خدا، و بی اعتمادی به وعده‌ی پیروزی مؤمنین...

در این زمان بحرانی آیه نازل می‌شود؛ ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾

(و [در انجام فرمان‌های الهی و در جهاد با دشمن] سستی نکنید و [از پیش آمدها و حوادث و سختی‌هایی

که به شما می‌رسد] اندوهگین نشوید که شما اگر مؤمن باشید، برترید.) (آل‌عمران، ۱۳۹)

خداوند دستور می‌دهد حتی الان که دشمن جنایت‌های بزرگی رقم زده و ضربات سنگینی به جبهه حق وارد کرده، حق ندارید سستی کنید و غم به دلتان راه دهید! چون قاعده همیشه صادق جهان این است که شما دست برتر را دارید و پیروزید؛ فقط به یک شرط و آن هم حفظ ایمان و اعتماد به خداست. ایمان به وعده‌های خدا، ایمان به نصرت قطعی خدا و ایمان به برتری جبهه حق علیه باطل.

این آیه تلویحاً به علّت شکست در جنگ احد هم اشاره دارد؛ ضعف ایمان در شما باعث شکستتان بود، نه اینکه مشکلی در سنّت یاری خدا و رسول باشد. نافرمانی شما از پیامبر و ترک مأموریت به خاطر کسب غنیمت جنگی و مال دنیا باعث شکست‌تان شد.

این پیام خدا شبیه یک صاعقه‌ی بیدارکننده بود

که جسم و دل کم جانشان را تکان داد؛ وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ...

﴿إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾؛ اگر واقعاً ایمان داشته باشید. این ایمان یعنی چه؟ یعنی فقط گفتن اینکه من خدا را قبول دارم؟ نه! ایمان یعنی باور قلبی به اینکه پشت سر ما قوی‌ترین نیروی جهان ایستاده است. یعنی بر اساس وظیفه‌مان عمل کنیم و بدانیم در این صورت حتماً برتر و پیروزیم.

یک قانون ساده وجود دارد؛ با نشستن و غصه خوردن، دنیا جای بهتری نمی‌شود. تو برای اینکه بتوانی در این دنیا قد علم کنی و آینده را بسازی، باید اول از همه قوی باشی. قوی شدن یعنی درس خواندنت سرسری نباشد؛ کتاب را باز نکنی که فقط رفع تکلیف کنی، درس بخوانی تا علم پیدا کنی، تا عمیق بفهمی. قوی شدن یعنی مهارت یاد بگیری؛ چه نوشتن باشد، چه کار با یک نرم‌افزار، چه یادگیری یک زبان تازه یا یک هنر کاربردی و...

مسلمان ضعیف، منفعل و تنبل، هیچ‌وقت نمی‌تواند موفق باشد. اگر می‌خواهی پرچمت بالا باشد و پرچم خدا را بالا ببری، باید بهترین نسخه خودت در کار و تلاش باشی. اگر اهل ایمانی، نباید با کوچک‌ترین شکست، با یک رتبه بد در آزمون، یا با حرف کنایه‌آمیز یک هم‌کلاسی فرو بریزی. زمین خوردن، جزئی از مسیر است. مهم این است که روی زمین نمانی! خاک لباست را بتکانی، به خدا توکل کنی و یا علی بگویی و دوباره بلند شوی.

کسی که به خدا تکیه کرده، هیچ‌وقت بن‌بست ندارد. حتی اگر همه دنیا دست‌به‌دست هم بدهند تا تو را زمین بزنند، وقتی ایمانت محکم باشد و تلاشت واقعی، برتری و پیروزی از آن توست. پس سرت را بالا بگیر، غم و حس ناامیدی را مچاله کن و بینداز دور و تمام تلاشت را به کار بگیر. تو بنده خدایی هستی که جهان را با اراده‌اش می‌چرخاند، وقتی به او وصل شدی، هیچ نیرویی نمی‌تواند جلوی اوج گرفتنت را بگیرد.



۵

به وقت میدان

﴿إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنْتَقِمُونَ﴾

بی‌تردید ما از مجرمان انتقام می‌گیریم. سجده، ۲۲



اگر این روزها اخبار رو چک کنی، شبکه‌های اجتماعی رو ورق بزنی یا حتی چند دقیقه پای درد دل بزرگ‌ترها بنشینی، خیلی سخت است که دلت نلرزد و گلویت پر از بغض نشود؛ دیدن تصاویری از بچه‌های هم سن و سال خودت که زیر آوارها در خاک و خون به شهادت رسیده‌اند یا کودکانی که پدر و مادرشان را گم کرده‌اند! آدم‌های پاک و شجاعی که به خاطر دفاع از ایمان، شرف و وطن، کشته می‌شوند. بچه‌های بی‌گناهی که به جرم ایرانی بودن در کودکی شهید می‌شوند...

در برابر این همه قلدری، بی‌عدالتی و ظلم بی‌حد، یک حس سنگین و دردناک سراغ آدم می‌آید؛ حس خشم

همراه با ناتوانی! از خودت می‌پرسی؛ چرا دنیا این‌قدر کثیف است؟ چرا این قلدرها که زور دارند، سلاح دارند، پول و رسانه دارند، هر غلطی دلشان می‌خواهد می‌کنند و هیچ اتفاقی برایشان نمی‌افتد؟ خدایا، پس کجایی؟ چرا صدای گریه این مظلوم‌ها همه‌چیز را زیرورو نمی‌کند؟

شاید فکر کنی این سوال‌ها فقط مال امروز است، اما در تمام طول تاریخ، هر وقت طاغوت‌ها و ظالمان تکیه زده‌اند به قدرتشان، دل مؤمن‌ها از این ظلم‌های بی‌حد به درد آمده است. فرعون‌ها و نمرودها، شمرها و تمام وارثان مدرن امروزیشان، وقتی به قدرت نظامی یا بمب‌هایشان نگاه می‌کردند، مغرورانه می‌گفتند؛ کی می‌تواند جلوی ما بایستد؟ کی حریف ماست؟

اما یک حقیقت هست که تاریخ بارها آن را به رخ کشیده، ولی چشم‌های کور ظالمان هیچ‌وقت آن را ندیده‌اند؛ عالم، صاحب دارد. نظام این دنیا جوری طراحی نشده که خون مظلوم پایمال شود و ستمگر

قسر در برود. خداوند در قرآن، قاطعانه، آرامش‌بخش و با صلابت، یک قانون تخلف‌ناپذیر را اعلام می‌کند؛

﴿إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنْتَقِمُونَ﴾

(بی‌تردید ما از مجرمان انتقام می‌گیریم.) (سجده، ۲۲)

به کلمه‌ها دقت کن؛ نمی‌گوید «شاید» یا «اگر فرصت شود»؛ با تاکید می‌گوید: ﴿إِنَّا﴾ (حتماً و بدون تردید ما)، ﴿مُنْتَقِمُونَ﴾ (انتقام‌گیرنده‌ایم). انتقام الهی یعنی انتقام و تقاص قطعی؛ یعنی برگرداندن تعادل به جهان. یعنی هیچ خونی بی‌ثمر نیست و هیچ قطره اشکی فراموش نمی‌شود. آن فرعون با همه ابهتش غرق شد، صدام ظالم از ته یک چاله خفت‌بار بیرون کشیده شد، و هرکس دیگری که دستش به خون بندگان پاک خدا آلوده شد، تاوان سنگینش را پس داد. این یک وعده تخلف‌ناپذیر است؛ خدا بدهکار هیچ ظالمی نمی‌ماند!

امّا وظیفه‌ی ما چیست؟! نشستن و تماشا کردن انتقام خدا؟! این کار یک نوجوان یا جوان مؤمن انقلابی است؟!

خداوند در آیه ۴ سوره محمد می‌فرماید: ﴿وَلَوْ يَشَاءُ اللّٰهُ لَانْتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِنْ لِيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ﴾ (و اگر خدا می خواست [خود بدون فرمان جنگ] از آنان انتقام می گرفت [ولی به جنگ فرمان داد] تا برخی از شما را به وسیله برخی دیگر بیازماید.)

خدا این جهان را بی‌قاعده اداره نمی‌کند؛ بلکه از دل اراده، ایمان و تلاش و با دست‌های بندگان مخلصش معجزه می‌سازد؛ ﴿قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبْهُمُ اللّٰهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ﴾ می‌فرماید: با آنان بجنگید تا خدا آنان را به دست شما عذاب کند و رسوایشان نماید و شما را بر آنان پیروزی دهد و سینه های [پر سوز و غم] مردم مؤمن را شفا بخشد. (توبه، ۱۴)

خیلی اوقات انتقام خدا یک صاعقه ناگهانی از آسمان نیست؛ همان مشت‌های گره‌کرده، همان بازوهای قوی، و همان مغزهای متفکری است که در جبهه حق می‌ایستند و مبارزه می‌کنند.

همین مردم انقلابی در میدان جزئی از انتقام خدا

هستند، همین پرواز موشک‌های فتاح و سجیل، همین یاری خدا و ایجاد تفرقه در دشمن و... این‌ها زمینه‌ساز انتقام نهایی خدا هستند.

ما هم باید در این میدان مبارزه و انتقام، نقش و وظیفه‌ی خودمان را پیدا کنیم؛ میدان نبرد امروز، فقط مرزها و خط مقدم نیست. وقتی پشت میز مدرسه نشسته‌ای و برای قوی‌شدن کشورت با تمرکز درس می‌خوانی، داری گلوله می‌سازی علیه جهل و عقب‌ماندگی. مگر این موشک‌ها را چه کسی ساخته؟ جوان‌های مؤمن و مبارز ایرانی در دل سخت‌ترین فشارها و تحریم‌ها. وقتی تاریخ می‌خوانی تا بازی رسانه‌ها فریبت ندهد، داری برای مبارزه زره می‌پوشی. وقتی نرم‌افزارهای پیچیده، هوش مصنوعی، نویسندگی یا یک زبان جدید یاد می‌گیری تا صدای حق را به دنیا برسانی، درست وسط خط مقدمی.

دشمن از نوجوان قوی، آگاه و باایمان می‌ترسد. آن‌ها می‌خواهند ما سرگرم خوش‌گذرانی‌های بی‌حاصل

باشیم؛ می‌خواهند ذهنمان پر از فانتزی‌های پوچ فضای مجازی باشد تا هیچ‌وقت به دردهای واقعی جهان فکر نکنیم. می‌خواهند خسته و تنبل و ناامید باشیم تا قدمی برای کار و تلاش برنداریم.

رهبر شهید انقلاب می‌گفتند: «جوانان و نوجوانان عزیز... از وقت ـ از حال ـ حداکثر استفاده را بکنند. البته این هم بدون برنامه‌ریزی نمی‌شود؛ باید بنشینند و با همان ذهن خودشان برنامه‌ریزی کنند. برنامه‌ریزی هم یک الگوی همگانی ندارد که من بگویم همه باید این‌طور برنامه‌ریزی کنند؛ نه. هر کسی بر حسب سنّش، بر حسب وضع زندگی خانوادگی و امکاناتش، بر حسب آن شهر و خانواده‌ای که در آن زندگی می‌کند، ممکن است یکطور برنامه‌ریزی کند و یک طور امکان داشته باشد. همه باید برنامه‌ریزی کنند و از وقتشان با برنامه، حدّاکثر استفاده را بکنند.»[1]

---

۱. ۱۳۷۶/۱۱/۱۴ گفت‌وگو با جمعی از جوانان و نوجوانان و اعضای گروه «کودک و نوجوان» سیمای جمهوری اسلامی ایران و برنامه‌ی نیمرخ

ما هم باید همینطوری باشیم تا در آینده بتوانیم به درد کشورمان بخوریم و مفید باشیم...

شهدا رفتند تا راه باز بماند. پرچم را بالا نگه داشتند تا دستی پیدا شود و آن را تحویل بگیرد. حالا نوبت توست. پرچم را بگیر و بلند شو.

سه روز در آغوش خدا بودی، بخشیده شدی، نامه‌اش را باز کردی و خواندی، قرارت را با او محکم بستی و یاد گرفتی که نباید سستی و تنبلی کنی، حالا وقت رفتن به میدان است...

با قدرت وارد کلاس درسی‌ات شو، محکم روی باورها و ایمانت بایست، به آینده پر از امید نگاه کن و شک نکن که پایان این قصه، شکست تاریکی و پیروزی حتمی نور است. تو فقط با صلابت در میدان باش، بقیه‌اش پای خدا، خودش می‌داند چطور دمار از روزگار ظالمان دربیاورد!

۶

فرصت طلایی اعتکاف

وَقالَ عَلی علیه‌السلام:

«وَالْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ، فَانْتَهِزُوا فُرَصَ الْخَيْرِ»

و فرصت (وقت مناسب) مانند ابر گذرا می‌گذرد، پس فرصت‌های نیکو را از دست ندهید. (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۱)

برای اینکه لحظه‌های فراغتت توی مسجد خسته‌کننده نباشه، دو تا پیشنهاد جذّاب برات دارم؛ یکی برای وقت‌های خلوت، یکی هم برای دورهمی با رفقا؛

خیلی وقت‌ها بین نمازها و دعاها و سخنرانی‌ها، آدم دلش می‌خواهد با رفقا حرف بزند، بازی کند و سرگرم شود، یا تنهایی با یک کتاب خوب خلوت کند. این سه روز فرصت خوبی است برای اینکه سراغ کارهای خوبی برویم که گاهی توی شلوغی‌های درس و مدرسه وقتش پیدا نمی‌شد. فرصت خوبی است که کتاب بخوانیم و چه بهتر که از کتاب‌های شهدا باشد، آن هم کتابی که درباره زندگی شهدا با قرآن است؛

کتاب «شهادت آیه‌ها»؛ ۳۰ داستان کوتاه از جنس چالش‌های زندگی خودت!

ماجرای یک نوجوانی که وسط زندگی واقعی گیر افتاده؛ داستان‌ها و مشکلات و چالش‌هایی برایش به وجود می‌آید. اما در دل همین چالش‌ها و داستان‌ها با شهدایی آشنا می‌شود، که با عمل به آیات قرآن مشکلاتشان را حل کرده‌اند! نه یک روایت دور از ذهن، بلکه می‌بینند آن شهدا چگونه با قرآن و راه‌حل‌های آن زندگی شیرین و حال خوبی داشته‌اند...

کتاب باحالیه! جون میده برای خوندن تو اعتکاف؛ وقتی بشینی یه گوشه دنج مسجد و یکی دو تا از قصه‌هاش رو بخونی، خودت متوجه میشی!



کافیه دوربین گوشیت رو روی این رمزینه بگیری تا متن کتاب رو پیدا کنی و شروع کنی به خوندنش.

بازی رومیزی «زندگی با آیه‌ها»، یه پیشنهاد جذاب

یه پیشنهاد جذاب دیگه هم دارم؛ بازی رومیزی «زندگی با آیه‌ها»؛ دوئل کارتی چالشی!

وسط اعتکاف وقت‌هایی هست که رفقا دورت جمع شدن و دلتون می‌خواد یک بازی باحال و دسته‌جمعی داشته باشید. معمولاً اولین ایده‌ها پانتومیم، فوتبال، مافیا یا اسم و فامیله!

بازی رومیزی «زندگی با آیه‌ها» دقیقاً برای همین دورهمی‌ها ساخته شده؛ توی این بازی، وارد یک دنیای شبیه‌سازی‌شده از یک پیام‌رسان می‌شوید؛ موقعیت‌های واقعی، چالش‌برانگیز و گاهی خنده‌دار از زندگی روزمره جلویتان گذاشته می‌شود و شما باید با کارت‌هایی از آیه‌ها که دستتان هست، بهترین جواب را ارسال کنید! و از پس چالش‌ها بربیایید. بهت قول میدم خوش میگذره!



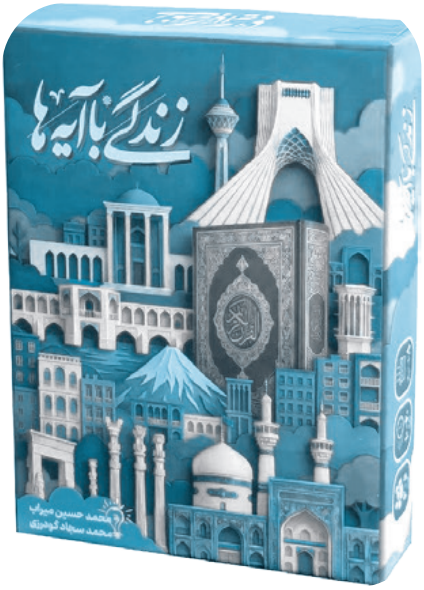

کد بالا رو با دوربین گوشی اسکن کن تا با این بازی بیشتر آشنا بشی و بتونی اونو برای دورهمی‌ها و جمع‌های دوستانه‌ات سفارش بدی.

۷

مسیرهای پرواز



اعتکاف امسال قرار نیست شبیه سال‌های قبل باشه! باید تلاش کنیم اعتکاف رو از یک خلوت ساده به سکوی پرتاب تبدیل کنیم. ما برای سلیقه‌ها و جمع‌های مختلف، ۷ مسیر جذاب طراحی کردیم؛ اگر دنبال حال‌وهوای جهاد علمی هستید یک مسیر، اگر دلتان اعتکاف شهدایی و مقاومتی می‌خواهد مسیری دیگر، و همین‌طور مسیرهای اصیل اعتکاف و احیای مناسک، مسیر رقابتی، تیمی، اندیشه‌ورزی، کافه‌اندیشه و سینمای رشد و روایتگری.

برای هر کدوم از این ۷ مسیر، بوم اختصاصی، بسته محتوایی و شیوه‌نامه دقیق آماده شده تا اعتکافی متفاوت بسازیم.

مسیر پرواز ۱
مسیر اعتکاف اصیل و جذاب

احیای مناسک و مقاوم به پا داشتن نماز

آیهٔ محوری

آیه پشتیبان: ۱۲۹ توبه
{فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ}

زمر ۵۳
قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا

آیه پشتیبان: ۱۳۲ طه
{وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا}

ارکان عملیاتی سه‌گانه عملیاتی اعتکاف اصیل

۱ نمایش تعاملی احکام
شبیه‌سازی موقعیت‌های ابتلایی



آموزش کاربردی احکام وضو و نماز
در قالب موقعیت‌های نمایشی خلاق
و طنزآمیز با اجرای نوجوانان

۲ کرسی‌های تلاوت ترتیل
تلاوت نور و انس با قرآن



برگزاری محافل تلاوت ترتیل
با مشارکت نوبتی و اجرای قاریان نوجوانان

۳ مناجات‌خوانی تعاملی
هم‌نوایی و خلوت دلنشین



قرائت فرازهای برگزیدهٔ ادعیه و مناجات
با هم‌نوایی جمعی و طراحی فضای معنوی

فرآیند اجرایی (۹۰ دقیقه)

گام‌های اجرایی	اقدام عملیاتی	زمان
سناریو نویسی	توجیه و آماده‌سازی گروه‌ها برای اجرای نمایش کوتاه احکام	۱۵ دقیقه
نمایش خلاق	اجرای تعاملی موقعیت‌های ابتلایی احکام با راهبری مربی	۳۰ دقیقه
کرسی ترتیل	تلاوت نوبتی توسط قاریان نوجوان	۲۵ دقیقه
مناجات و هم‌نوایی	هم‌نوایی در فرازها و یا ادعیه برگزیده و پاسداری از حریم معنوی	۲۰ دقیقه

خروجی‌های مطلوب

۱ کاروان سفیران نماز



تربیت خادمان و مسئولان
اقامه نماز جماعت

۲ دفترچه احکام کاربردی



تثبیت ابتلایی احکام کاربردی
وابتلایی نوجوانان

۳ نوای جمعی مناجات



تثبیت خاطره معنوی ماندگار
از هم‌خوانی ادعیه به صورت جمعی

مأموریت نوجوانان در این مسیر



خادم مناسک و سفیر نماز، نقش‌آفرینی در موقعیت‌های نمایشی احکام،
هم‌نوایی در ادعیه و پاسداری از حریم معنوی



برای دیدن نقشه این ۷ مسیر و دانلود بسته‌ها، وارد لینک زیر بشید

۸

همسفر قرآنی

و این، تازه اول راه است...

کتابچه تمام شد، اما «زندگی با آیه‌ها» نه. جدولی که می‌آید، گزارش کار خشک و خالی مرور آیه‌ها نیست؛ نقشه گنج توست تا قرآن را به متن زندگی‌ات بیاوری، تا کمکت کند آیه‌هایی را یادبگیری که با عمل کردن به آن‌ها چالش‌ها و مشکلات زندگی‌ات را حل کنی.

از ۳۰ آیه منتخب امسال، پنج آیه را در همین کتابچه خواندیم و باقی آیه‌ها را در دیگر کتاب‌های زندگی با آیه‌ها در رجب، شعبان و رمضان باهم می‌خوانیم و یاد می‌گیریم. این ۳۰ آیه سوخت حرکت تو برای امسال است؛ آیه‌هایی که در شلوغی شهر، وسط

درس و امتحان و رفاقت و در تمام لحظات زندگی، همراهت می‌مانند.

ستون‌های جدول را پر کن؛ نه برای اینکه کسی ببیند و خوشش بیاید، برای اینکه فردا سراغش بروی و ادامه بدهی. ستون‌ها پنج پله‌ای هستند و از این قرارند: خوب خواندم، خوب فهمیدم، حفظ کردم، زندگی کردم و سفیر شدم. تکمیل هر ستون، یک قدم واقعی است، یک تغییر کوچک در رفتار، به احترام کلام خدا. عجله نکن و رد نکن، حتی اگر فقط یک بار یکی از پله‌ها را کامل کنی، جلو افتاده‌ای.

بیا عهدمان را تازه کنیم و این سفر را نیمه‌کاره رها نکنیم، این تازه آغاز سفر ما با آیه‌های خداست...

۱. ﴿وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾

و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و مستمندان نیکی کنید، و با مردم با خوش زبانی سخن گویید. (بقره، آیهٔ ۸۳)

۲. ﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾

و قصاص، برای شما مایهٔ حیات (و امنیت) است، ای صاحبان خرد! شاید پرهیزکاری پیشه کنید. (بقره، آیهٔ ۱۷۹)

۳. ﴿رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً﴾

پروردگارا! مرا از سوی خود فرزندی پاک و پاکیزه عطا کن. (آل‌عمران، آیهٔ ۳۸)

۴. ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾

و [در انجام فرمان‌هایِ حق و در جهاد با دشمن] سستی نکنید و [از پیش آمدها و حوادث و سختی‌هایی که به شما می‌رسد] اندوهگین مشوید که شما اگر مؤمن باشید، برترید. (آل‌عمران، آیهٔ ۱۳۹)

۵. ﴿وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾

و هر که در راه خدا بجنگد و کشته شود، یا بر دشمن پیروز گردد، به زودی پاداش بزرگی به او خواهیم داد. (نساء، آیهٔ ۷۴)

۶. ﴿فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ﴾

خدا به‌زودی گروهی را می‌آورد که آنان را دوست دارد، و آنان هم خدا را دوست دارند؛ در برابر مؤمنان فروتن‌اند، و در برابر کافران سرسخت و قدرتمندند، همواره در راه خدا جهاد می‌کنند، و از سرزنش هیچ سرزنش کننده‌ای نمی‌ترسند. (مائده، آیهٔ ۵۴)

۷. ﴿وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾

زندگی دنیا، جز بازی و سرگرمی نیست؛ و سرای آخرت، برای آن‌ها که پرهیزگارند، بهتر است. آیا نمی‌اندیشید؟! (انعام، آیهٔ ۳۲)

۸. ﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾

بخورید و بنوشید، ولی اسراف نکنید که خدا اسراف‌کاران را دوست ندارد! (اعراف، آیهٔ ۳۱)

۹. ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ﴾

و با آنان بجنگید تا هیچ نوع فساد و فتنه [و خونریزی و ناامنی] بر جا نماند، و دین [در سراسر گیتی] ویژهٔ خدا شود. (انفال، آیهٔ ۳۹)

۱۰. ﴿فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ﴾

پس با پیشوایان کفر بجنگید که آنان را [نسبت به پیمان‌هایشان] هیچ تعهدی نیست، باشد که [از طعنه زدن و پیمان‌شکنی] بازایستند. (توبه، آیهٔ ۱۲)

۱۱. ﴿فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ﴾

بگو: خدا مرا بس است، هیچ معبودی جز او نیست، فقط بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش بزرگ است. (توبه، آیهٔ ۱۲۹)

۱۲. ﴿وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ﴾

و به کسانی که ستم کرده‌اند، تمایل و اطمینان نداشته باشید و تکیه مکنید که آتش به شما خواهد رسید. (هود، آیهٔ ۱۱۳)

۱۳. ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾

و خداوند سرنوشت هیچ ملّتی را تغییر نمی‌دهد، مگر آن‌که آنان آنچه را در وجود خودشان است تغییر دهند. (رعد، آیهٔ ۱۱)

۱۴. ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً﴾

هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، به طور مسلم او را حیات پاکیزه‌ای می‌بخشیم. (نحل، آیهٔ ۹۷)

۱۵. ﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِيِّهِ سُلْطَانًا﴾

و هر کس مظلوم [و به ناحق] کشته شود، برای ولی‌اش تسلّطی بر قاتل [جهت خون‌خواهی] قرار داده‌ایم. (اسراء، آیهٔ ۳۳)

۱۶. ﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾

و خانواده‌ات را به نماز فرمان بده و خود نیز بر آن شکیبایی ورز (طه، آیهٔ ۱۳۲)

۱۷. ﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ﴾

و در راه خدا چنان که شایسته جهاد است، جهاد کنید؛ او شما را برگزیده است. (حج، آیهٔ ۷۸)

۱۸. ﴿رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ﴾

مردانی که تجارت و دادوستد آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و پرداخت زکات باز نمی‌دارد. (نور، آیهٔ ۳۷)

۱۹. ﴿وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا﴾

و پیامبر [در قیامت] می‌گوید: پروردگارا! همانا قوم من این قرآن را متروک گذاشتند! (فرقان، آیهٔ ۳۰)

۲۰. ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾

ما اراده کرده‌ایم تا بر مستضعفان زمین نعمت بخشیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم. (قصص، آیهٔ ۵)

۲۱. ﴿إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنْتَقِمُونَ﴾

بی‌تردید ما از مجرمان انتقام می‌گیریم. (سجده، آیهٔ ۲۲)

۲۲. ﴿وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾

و[در میان نامحرمان و کوچه و بازار] مانند زنان دوران جاهلیت پیشین [که برای خودنمایی با زینت و آرایش و بدون پوشش در همه جا ظاهر می‌شدند] به خودنمایی نپردازید. (احزاب، آیهٔ ۳۳)

۲۳. ﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾

این کتاب پربرکتی است که آن را بر تو نازل کرده‌ایم تا آیاتش را تدبّر کنند و خردمندان متذکّر شوند. (ص، آیهٔ ۲۹)

۲۴. ﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا﴾

بگو: ای بندگان من که [با ارتکاب گناه] بر خود تجاوز کار بوده‌اید! از رحمت خدا نومید نشوید، یقیناً خدا همهٔ گناهان را می‌آمرزد. (زمر، آیهٔ ۵۳)

۲۵. ﴿أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ﴾

تمامی احکام و معارف این آیین را برپادارید و در آن اختلاف نیفکنید (به گونه‌ای که بخشی را بپذیرید و بخشی را واگذارید.) (شوری، آیهٔ ۱۳)

۲۶. ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾

محمّد ﷺ فرستاده خداست و کسانی که با او هستند بر کافران سرسخت و در میان خودشان با یکدیگر مهربان‌اند. (فتح، آیهٔ ۲۹)

۲۷. ﴿لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾

برای انسان چیزی جز حاصل سعی و کوشش او نیست. (نجم، آیهٔ ۳۹)

۲۸. ﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾

آنان می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند؛ ولی خدا نور خود را کامل می‌کند هر چند کافران خوش نداشته باشند. (صف، آیهٔ ۸)

۲۹. ﴿وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ * لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾

و آنان که در اموالشان حقّی معلوم است برای درخواست‌کننده [تهیدست] و محروم [از معیشت و ثروت]. (معارج، آیهٔ ۲۴ و ۲۵)

۳۰. ﴿وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾

و نعمت‌های پروردگارت را بازگو کن. (ضحی، آیهٔ ۱۱)

ردیف	آیات	خوب خواندم	خوب فهمیدم	حفظ کردم	زندگی کردم	سفیر شدم
۱	﴿وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا...﴾					
۲	﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ...﴾					
۳	﴿رَبِّ هَبْ لِي...﴾					
۴	﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا...﴾					
۵	﴿وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي...﴾					
۶	﴿فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ...﴾					
۷	﴿وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا...﴾					
۸	﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا...﴾					
۹	﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى...﴾					
۱۰	﴿فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفْرِ...﴾					
۱۱	﴿فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ...﴾					
۱۲	﴿وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى...﴾					
۱۳	﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ...﴾					
۱۴	﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا...﴾					
۱۵	﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا...﴾					

ردیف	آیات	خوب خواندم	خوب فهمیدم	حفظ کردم	زندگی کردم	سفیر شدم
۱۶	﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ...﴾					
۱۷	﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ...﴾					
۱۸	﴿رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ...﴾					
۱۹	﴿وَقَالَ الرَّسُولُ...﴾					
۲۰	﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ...﴾					
۲۱	﴿إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ...﴾					
۲۲	﴿وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ...﴾					
۲۳	﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ...﴾					
۲۴	﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ...﴾					
۲۵	﴿أَقِيمُوا الدِّينَ...﴾					
۲۶	﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ...﴾					
۲۷	﴿لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ...﴾					
۲۸	﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ...﴾					
۲۹	﴿وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ...﴾					
۳۰	﴿وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ...﴾					